

پژوهشنامه‌ی ادب غنایی دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال چهاردهم، شماره‌ی بیست و ششم، بهار و تابستان ۱۳۹۵ (صص ۱۶۲-۱۴۱)

ستایش ایزدبانوی ناهید در ادبیات اوستایی (با تکیه بر متن آبان یشت)

دکتر موسی محمودزهی *

چکیده

در باره‌ی رویکردهای ستایشی ایزدبانوی ناهید در منابع مختلف و از جمله اوستا (کتاب مقدس زردشتیان) می‌توان تصویر نسبتاً روشنی به دست آورد. یشت پنجم اوستا موسوم به «آبان یشت»، بیشترین آگاهی را در ستایش این ایزدبانو در اختیار خواننده قرار می‌دهد. به خاطر تأثیر جلوه‌های مختلف ناهید در اساطیر، فرهنگ، ادیان، و ادبیات ایران از گذشته تا امروز، این تحقیق با روشی تحلیلی - توصیفی در پی آن است که با ارائه‌ی تصویری از جنبه‌ی ستایشی ناهید با تکیه بر متن آبان یشت، مطابق پژوهش چنگیز مولایی (۱۳۹۲) که جدیدترین و معتبرترین پژوهش در باره‌ی آبان یشت به حساب می‌آید، خواننده را با زوایای جدیدی از این سرود دینی آشنا سازد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ستاینندگان ناهید از شخص اهورامزدا و زردشت تا بسیاری دیگر از شخصیت‌های اسطوره‌ای و تاریخی ایرانی و غیرایرانی، با نثار، نیایش و اهدای قربانی، خواهان حمایت ناهید به نفع خود هستند. اما از آن جا که ناهید در اندیشه‌ی ثنوی زردشتی یکی از نمایندگان جهان نیکی است، کسانی را که اندیشه‌ی اهورایی دارند، از حمایت خود بهره‌مند می‌سازد، و طرفداران اندیشه‌های اهریمنی را ناکام می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها: اوستا، آبان یشت، ناهید، وصف، ستایش.

۱- مقدمه

اوستا، کتاب مقدس زردشتیان، بخشی از کهن‌ترین مستندات اسطوره، فرهنگ، زبان، و ادب ایرانی را در بر دارد. بیشترین حجم ادبیات ایران باستان از این منبع قابل دسترسی است. بخشی از اوستا «یشت‌ها» نام دارد. اوستای امروز شامل ۲۱ یشت است و آبان یشت (= یشت پنجم) که معروف

* Email: m.mahmoudzahi@velayat.ac.ir

استادیار فرهنگ و زبان‌شناسی دانشگاه ولایت

به «سرود ستایش ناهید» است، در این بخش قرار دارد. از نظر لغوی واژه ی «یشت» به معنی «ستایش، نیایش، پرستش» است که با واژه ی «جشن» در فرهنگ لغات فارسی امروز خویشاوندی دارد. تعدادی از یشت‌های اوستا که به نام یشت‌های کهن معروفند، و آبان یشت یکی از زمره ی همین یشت‌هاست، مربوط به پیش از زمان زردشت هستند و تا رسیدن به ادبیات زردشتی از صورت اصلی خود خارج شده‌اند. محسن ابوالقاسمی متذکر می‌شود که یشت‌های کهن به دو علت از صورت اصلی خود خارج شده‌اند: نخست روحانیان زردشتی در شرح و تفسیر زردشتی آن‌ها مطالبی به آن‌ها افزوده و احتمالاً مطالبی هم از آن‌ها کاسته‌اند. دوم تحول زبان سبب شده است که صورت اصلی یشت‌های کهن دگرگون شود (ابوالقاسمی، ۱۳۷۴: ۵۵). رضایی باغ بیدی در باره ارزش یشت‌های کهن و از جمله آبان یشت می‌گوید " گرچه برگ‌های زرینی از ادبیات اوستایی در گذر زمان نابود شده، هنوز می‌توان گوشه‌هایی از ارزش‌های ادبی و زیبایی‌های اوستای دوره ساسانی را در بخش‌های بازمانده آن مشاهده کرد. از زیباترین بخش‌های اوستای موجود، پس از گاهان، می‌توان به قطعاتی اشاره کرد که تحت عنوان یشت‌های بزرگ شناخته می‌شوند. برخی از این یشت‌ها عبارتند از: یشت پنجم یا آبان یشت، در ستایش آناهیتا، ایزدبانوی آبها؛ یشت هشتم یا تیشتر یشت، در ستایش تیشتر (= شعرای یمانی)؛ ... و سروش یشت، در ستایش سروشه، ایزد فرمانبرداری" (باغ بیدی، ۱۳۸۸: ۲۹-۳۰). آبان یشت، ۳۰ گرده (= پاره) و ۱۳۳ بند دارد و از جهت تفصیل سومین یشت پس از «فروردین یشت» و «مهر یشت» به حساب می‌آید. نام قدیم آن «اردوی سوره آناهیته» بوده و «آبان‌یشت» نام متأخری است که به آن داده شده است. این یشت به ایزدبانوی آب‌ها، نعمت، برکت و آبادانی که در اصل رودخانه‌ای بوده و بعدها جنبه الوهیت یافته است، اختصاص دارد. "آبان از نظر لغوی به معنی «آب‌ها» است. بنابر باورهای اساطیری ایرانیان باستان، آب در گاهنبار دوم از گاهنبارهای شش‌گانه آفرینش، پس از آفرینش آسمان و پیش از آفرینش سایر موجودات آفریده شده است" (سلیمانی و عسکری، ۱۳۸۹: ۵۹). احمد تفضلی در خصوص معرفی محتوایی این یشت، موارد زیر را متذکر می‌شود: بندهای ۱-۱۵ در توصیف و مدح و ثنای ایزدبانو ناهید، بندهای ۱۷ تا ۱۹ ستایش ناهید توسط اهورامزدا، بندهای ۲۱ تا ۸۳ در ستایش شاهان اساطیری و پهلوانی پیش از زردشت از ناهید و برخورداری از لطف او، بندهای ۸۴ تا ۹۶ در مدح و ثنای مجدد ناهید، بندهای ۹۷ تا ۱۱۸ در ستایش نامداران معاصر زردشت از ناهید، و بندهای ۱۱۹ تا ۱۳۳ در تعریف و توصیف و درخواست یاری از ناهید است (تفضلی، ۱۳۸۶: ۵۰).

یشت‌های اوستا عمدتاً به توصیف نیایش گونه ایزدانی پردازند. در دین زردشتی، ایزدان که ناهید یکی از آنهاست، از نظر اهمیت و مقام، پس از اهورامزدا (= خدای دین زردتشت) و امشاسپندان قرار دارند. به قول امریک و ماتسوخ (۱۳۹۳: ۸۴)، بعضی از این ایزدان مانند هوم، مهر، و بهرام منشأ پیش‌زردشتی دارند. اما بیشتر گروه ایزدان یشت‌ها ماهیت ایرانی بعد از زردشتی دارند که از میان آن‌ها می‌توان اردویسور آناهیتا، درواسپا، ... را نام برد. از قول ابوالقاسمی (۱۳۷۴: ۲۲)، ایزدان یاوران امشاسپندان، و امشاسپندان یاوران اهورامزدا، اهورامزدا، امشاسپندان و ایزدان اداره‌کنندگان جهان نیکی‌اند. در برابر آن‌ها کماریگان دیو (= دیوان بزرگ) قرار دارند. اهریمن، کماریگان دیو و دیگر دیوان، جهان بدی را اداره می‌کنند. چنگیز مولایی جلوه‌ی غنایی متن آبان یشت را برجسته می‌بیند و در باه‌ی آن می‌گوید: "متن این یشت به لحاظ مضمون و محتوی، تنوع مطالب و ساختار ویژه-اش، در میان یشت‌های کهن اوستا از امتیازی خاص برخوردار است، و در بردارنده‌ی عالی‌ترین قطعات غنایی در توصیف یکی از ایزدبانوان کیش کهن ایرانی است" (مولایی، ۱۳۹۲: ۱). بعلاوه، سیروس شمیسا پیش‌نمونه اشعار عاشقانه را در جهان باستان ایزدبانوانی می‌داند که یکی از آن‌ها در ادبیات باستانی ایران ناهید است. وی این موضوع را بدین شرح بیان می‌کند: "چنانکه گفتیم پروتایپ (= پیش‌نمونه) معشوق ایزدبانوان کهن چون ایشتر سومری یا اناهیتای ایرانی بودند که پرستشگاه‌های بسیار داشتند" (شمیسا، ۱۳۸۹: ۱۳۴). وی نیز در ارتباط اشعار عاشقانه و غنایی با یکدیگر، اضافه می‌کند که برخی از منتقدان اصل اشعار عاشقانه را به روابط مرد و زن در دوران مدارسالاری- که جامعه تحت حکومت زن بود- مربوط کرده‌اند؛ و اشعار عاشقانه را همان ستایش‌ها و اوراد و اذکاری دانسته‌اند که مردان برای زن حاکم بر قبیله یا جامعه می‌سروده و می‌خوانده‌اند. بدین ترتیب در عصر الهگان و ازباب انواع مؤنث و در دوره‌ای که ریاست جوامع کشاورزی بر عهده‌ی زنان بوده است، مدایح و اورادی در ستایش ایشان رواج داشته است که بعدها به صورت سنن ادب غنایی درآمد است (همان: ۱۲۸-۱۲۹).

۱- بیان مسأله و پرسش‌های تحقیق

برای مطالعه، رده‌بندی و کاربردی کردن متون بازمانده از ادبیات ایران باستان که متون اوستایی از معروفترین نمونه‌های این ادبیات هستند، این پرسش پیش می‌آید که چنین متون مرده‌ای را چگونه می‌توان مورد کند و کاو قرار داد. این متون که به نحوی و تا حدی حکم بن‌مایه‌های ادبیات ایران دوران گذشته و ایران امروز و از جمله ادبیات فارسی را دارند، باید به شیوه‌های خاصی که مختص بررسی متون مرده است، مورد بررسی قرار گرفته و توصیف شوند، تا بهره‌برداران بتوانند به نحو

مطلوب‌تری از آن‌ها بهره‌مند شوند. برای نمونه، تحقیق در بیت " خداوند کیوان و گردان سپهر / فروزنده ماه و ناهید و مهر" (شاهنامه فردوسی، چاپ مسکو، ۱۳۸۲: ۱)، و ابیات " پس آن دختر نامور قیصر / که ناهید بُد نام آن دخترا // کتایونش خواندی گرانمایه شاه / دو فرزند آمد چو تابنده ماه" (همان: ۸۹۰)، که نام «ناهید» در آن‌ها آمده است، برای محققانی که علاقه‌مند به پیشینه این نام هستند، ضرورت مراجعه به متن آبان یشت را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. در تأیید این مطلب، رجبی می‌گوید: " توجه به آنهیتا و پیوند پهلوانان افسانه‌ای ایران باستان با ناهید، سبب شده است که آبان یشت به پیکر یکی از غنی‌ترین منابع افسانه‌ای - اسطوره‌ای ایران و همچنین نویسندگان در بیاید. بی‌تردید فردوسی از این آبشخور بی‌نیاز نبوده است" (رجبی، ۱۳۸۶: ۱۷۵).

مقاله حاضر با طرح سه پرسش، در پی یافتن پاسخ برای آن‌ها بر پایه متن آبان یشت است. این سه پرسش عبارتند از: ۱- ناهید به خاطر چه صفاتی ستایش می‌شود؟ ۲- ب- ناهید چه‌طور ستایش می‌شود؟ ۲- ج- چه کارکردهایی از انجام این ستایش‌ها از سوی ناهید متصور است؟

۲-۱- ضرورت و اهداف تحقیق

همان‌طور که در قسمت ۱-۱- گفته شد، بعضی از متون بازمانده از ایرانی باستان به نحوی بُن-مایه‌های ادبیات امروز ایران هستند که آبان یشت یکی از آنهاست. این متون به علت گذشت زمان، امروزه مرده به حساب می‌آیند که لازم است پژوهشگران با دقت نظر و استفاده از معتبرترین و جدیدترین منابع، به مطالعه، رده‌بندی و کاربردی کردن این متون اقدام کنند. در راستای همین ضرورت، مقاله حاضر در تحلیل، طبقه‌بندی، و توصیف مضامین ستایشی آبان یشت، به جدیدترین معتبرترین نسخه ترجمه آن که توسط چنگیز مولایی (۱۳۹۲) انجام گرفته، استناد کرده است. مهم‌ترین هدف در این تحقیق آن است که پژوهشگران و علاقه‌مندان به ادبیات ایران امروز و به خصوص ادبیات فارسی، با محتوای ستایشی این متن بیشتر آشنا شوند و نمونه کاری برای انجام پژوهش‌های آتی فراهم آید.

۳-۱- روش تحقیق

در انجام این تحقیق، بر مبنای داده‌های کتابخانه‌ای، از روشی تحلیلی-توصیفی (Analytic-Descriptive) استفاده شده و مقاله در بحث اصلی به سه قسمت جداگانه بر اساس پاسخ به سه پرسش مطرح شده در قسمت ۱-۱- سامان یافته است. پس از طرح سه پرسش و پاسخ به آن‌ها، گلیاتی در باره جنبه ستایشی ایزدانوی ناهید نیز اضافه شده است.

۱-۴- پیشینه تحقیق

در خصوص پیشینه ی کار در باره ی آبان یشت موارد زیر قابل توجه است: بر اساس دست-نوشته‌های موجود، ابتدا ترجمه‌هایی به زبان فرانسه توسط آنکتیل دوپرون و دوهارله انجام گرفت و پس از آن سه ترجمه به انگلیسی توسط دارمستتر (۱۸۸۳)، سیتنا (۱۹۷۹) و ویلیام مالاندر (۱۹۸۳) انجام شد. ترجمه‌ای دیگر از آن به فرانسه توسط دارمستتر در سال ۱۸۹۳ انجام گرفت. از آبان یشت ۵ ترجمه به آلمانی بازمانده که بدین قرار است: گلدنر ۱۸۸۱، ولف ۱۹۱۰، لومل ۱۹۲۷، هیرمان ولر ۱۹۳۸ و نوربرت اوتینگر ۱۹۸۳. برای اولین بار ابراهیم پورداوود ترجمه آبان یشت را در سال ۱۳۰۷ شمسی در بمبئی به زبان فارسی به چاپ رساند و پس از او، همان ترجمه دو بار در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۷۷ توسط بهرام فره‌وشی چاپ شد. محسن ابوالقاسمی بندهایی از آبان یشت را در کتاب «راهنمای زبان‌های ایرانی باستان» چاپ‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ آورده است. محمد مقدم در کتاب «جستاری در باره مهر و ناهید»، ۱۳۵۷؛ احمد اقتداری، در مقاله «نشانه‌های پرستش تیر و ناهید»، ۱۳۵۴؛ عبدالوهاب ولی در مقاله «زن در اساطیر ایرانی» ۱۳۶۹، و کتابیون مزداپور در کتاب «ادیان و مذاهب در ایران باستان»، ۱۳۹۴، کمابیش به معرفی ناهید پرداخته‌اند. سوزان گویری در کتاب «آناهیتا در اسطوره‌های ایران» در سال ۱۳۷۲ تقریباً به صورت کامل به بررسی ناهید پرداخته است. از آن پس گزارش‌هایی به صورت پراکنده در منابع مختلف در باره ناهید به چاپ رسیده، اما این تحقیق با اهداف و شیوه خاص خود، در نوع خود کاملاً تازه است.

۲- بحث

این قسمت که شالوده ی اصلی مقاله را دربر دارد، مطابق پرسش‌های تحقیق در قسمت ۱-۱، به سه موضوع عمده ی زیر در خصوص ایزدبانوی ناهید بر اساس متن آبان یشت می‌پردازد: ۲- الف- صفاتی که ناهید به خاطر آن‌ها ستایش می‌شود، ۲- ب- چگونگی ستایش ناهید، ۲- ج- کارکردهایی که از انجام این ستایش‌ها متصور است.

۲- الف- در پاسخ به پرسش اول، صفاتی که ناهید به خاطر آن‌ها ستایش می‌شود و این صفات در شکوه و فره ناهید متجلی هستند، بر اساس متن آبان یشت به طور خلاصه عبارتند از: بالندگی و فزاینده‌گی، برومندی و نیرومندی، پاک‌ی، زیبایی و آراستگی، نژادگی و آزادگی، بخشندگی و باروی، عشق و مادری، درمانگری و سامان‌بخشی. اینک با استناد به متن آبان یشت، برای هر کدام از موارد ذکر شده توضیحاتی ارائه می‌گردد.

۲-الف-۱-بالندگی و فزاینده‌گی: نام اصلی ایزدبانوی ناهید «آردوی» است که در سراسر متن با دو صفت «سورا» و «آناهیتا» توصیف می‌شود. در واقع، این نام خود صفتی است به معنی «بالنده و فزاینده» که به رودخانه‌ای اسطوره‌ای به همین نام اطلاق می‌شده است. این نام در کنار صفات «سورا: برومند، نیرومند» و «آناهیتا: پاک»، ۷۱ بار در متن آبان یشت، و در هر یک بندهای ۹، ۷۷، ۸۸، ۹۰، و ۹۴ دو بار ذکر شده است. با گذشت زمان، اردوی نام خود را به یکی از صفات خود، «آناهیتا= ناهید»، می‌دهد و ناهید موکل بر تمام آب‌های روی زمین می‌شود. آب در میان آفریدگان اهورامزدا، مؤثرترین آفریده در بالندگی و فزاینده‌گی مخلوقات دیگر است. در باره این ویژگی ناهید بند ۱ آبان یشت قابل توجه است که ناهید در آن فزاینده جان، غله، رمه، دارایی، خانه، دیه، قبیله، سرزمین، کشور، و گیتی معرفی شده است. در بند ۶ از آبان یشت، اهورامزدا تأکید می‌کند که ناهید را برای گسترش خانه، دیه، قبیله و سرزمین؛ و برای نگهداری و نگهداری آن‌ها آفریده است. در مثل امروزی «هر جا آب هست، آبادانی و حیات هم هست» اهمیت آب در بالندگی و فزاینده‌گی به خوبی پیداست.

۲-الف-۲-برومندی و نیرومندی: یکی از پرکاربردترین صفات ناهید که همیشه جزئی از نام اوست، صفت «سورا: برومند، نیرومند» است. با این صفت، هم برومندیش که نشان اهورایی بودن اوست به نمایش گذاشته شده، و هم نیرومندیش در مبارزه با نیروهای اهریمنی. این صفت در کنار اسم «آردوی» و صفت «آناهیتا»، ۷۱ بار در متن آبان یشت، و در هر یک بندهای ۹، ۷۷، ۸۸، ۹۰، و ۹۴ دو بار ذکر شده است. بیشتر به واسطه همین صفت ناهید است که ستایش‌کنندگان از او حاجت می‌خواهند تا بر دشمنان خود پیروز شوند.

از نظر برومندی ناهید بلند بالاست و اندامی رشید دارد. برومند بودن در جهان ثنوی زردشتی نشان آفرینش اهورایی است و هرگونه نقص و ضعف در اندام، دلالت بر آفرینش اهریمنی دارد. در آبان یشت، کسانی مانند مرد سرخ‌روی، تبار، داغ برکشیده، ناتوان، کورک‌دار، ناآگاه، و زن ناپاک (بند ۹۳)؛ کوران، گران، کوتوله‌ها، نادانان، دیوانگان، مصروعان، گوزسینه‌ها، گوزپشت‌ها، کوتاه‌قد‌های پوسیده دندان (بند ۹۳) داغ اهریمن بر پیشانی دارند و از حمایت ناهید بی‌بهره می‌مانند. به عبارت دیگر، برومندی و نیرومندی ناهید از امتیازات مهم او به شمار می‌آیند و می‌توانند جلوه‌هایی از کمال یک زن ایرانی محسوب شوند.

در سایه نیرومندی، ناهید بر دشمنی‌های کینه‌وران، دیوان، مردمان، جادوان، پریان، فرمانروایان، ستمگر، گوی‌ها، کرب‌ها؛ و گستاخی‌های گستاخانی مثل افراسیاب دشمن دیرین ایرانیان، و ضحاک،

و ... ، پیروز می‌شود و به ستایش‌کنندگان راستین خود پیروزی می‌بخشد. او در هیئت دختری گردونه‌ران، لگام گردونه را به دست می‌گیرد و پیشتر از دیگران ازابه‌اش را می‌راند (بند ۱۱). چهار آسیبی که گردونه ی او را می‌کشند، همه سفید همگون (= هم‌رنگ) هم ناف (= هم نژاد)، بلند، چیره شونده بر کینه‌های همه کینه‌وران، دیوان، مردمان، جادوان، پریان، فرمانروایان ستمگر، کوی‌ها و کرب‌ها هستند (بند ۱۳). بعلاوه، ناهید به حدی نیرومند است که فره زرتشت برای نگهداری به او سپرده می‌شود. در سایه ی همین نیرومندی هست که بسیاری از شاهان مراسم تاجگذاری خود را در پرستشگاه‌های ناهید برگزار می‌کردند تا این ایزد بانو آن‌ها را از پشتیبانی خود بهره‌مند سازد. برای نمونه، در یکی از نوشته‌های فارسی باستان، اردشیر دوم هخامنشی از اهورامزدا، ناهید و مهر می‌خواهد که او و ساخته‌هایش را بپایند و از همه بدی‌ها و گزندها محفوظ دارند. این مطلب در آن نوشته به صورت زیر آمده است: " این کاخ را داریوش پدرنیای من ساخت؛ بعداً در دوره اردشیر، پدر بزرگ، من آتش گرفت؛ به خواست اهورا مزدا، ناهید و مهر این کاخ را من ساختم. اهورامزدا، ناهید و مهر مرا از هر بلایی بپایند و آنچه من ساختم نه فرو بپاشد و نه آسیب ببیند (کنت، ۱۳۸۴: ۴۹۸). در کتیبه‌ای دیگر همین شاه می‌گوید: " به خواست اهورامزدا، این است کاخی که در زندگی خود به عنوان خلوتگاه خوشایند ساختم. اهورا مزدا، ناهید و مهر مرا و آنچه را که من ساختم از هر بلایی بپایند (همان: ۵۰۰). در اعتقاد شاهان به پشتیبانی‌شان از سوی ناهید، فره‌وشی (۱۳۷۰: ۱۸۷) می‌گوید: گویا در تمام دوران هخامنشی، اشکانی و ساسانی پادشاهان در پرستشگاه ناهید تاجگذاری می‌کردند و به همین سبب است که در نقش برجسته ی نقش رستم نرسه حلقه پادشاهی را از دست ناهید می‌گیرد و یا در طاق بستان ناهید به پیروز شاه ساسانی حلقه ی پادشاهی می‌بخشد. این نقش‌ها نمادی از این است که ایزد ناهید پادشاهی را به شاه بخشیده، از او پشتیبانی می‌کند، و به کشور نعمت، فراوانی و باروری می‌بخشد.

۲-الف-۳-پاکی: یکی از پرکاربردترین صفات ناهید که دلالت بر نام او دارد، صفت «آناهیتا: پاک» است. این صفت در کنار اسم «اردوی» و صفت «سورا»، ۷۱ بار در متن آبان یشت، و در هر یک بندهای ۹، ۷۷، ۸۸، ۹۰، و ۹۴ دو بار ذکر شده است. این صفت که خود پیشتر صفتی برای اردوی بوده، بعداً به خاطر اهمیت پاکی، راستی و صداقت، نام «ناهید» را جانشین اردوی کرده و امروز به همین نام شناخته می‌شود. این نام در منابع مختلف به صورت «آناهید، ناهید، آناهیتا، آناهیتا» آمده؛ و به قول دکتر محمد معین: " در اشعار متقدمان بارها به نام ناهید برمی‌خوریم. در فرهنگ‌های فارسی «ناهد، ناهده، ناهیده، و ناهی به معنی دختر بالغ» ضبط است" (معین، ۱۳۸۸:

۴۲). در وجه تسمیه ناهید، مولایی (۱۳۹۲: ۲۳) می‌گوید: در واقع، واژه ی «ناهِید» در کنار واژه سورَه (=توانا) خود صفتی برای «آردوی»، و از نظر لغوی به معنی «پاک، پاکیزه، نیالوده، بی‌آلایش» است. در بندهای مختلف آبان یشت، برای توصیف ناهید در ارتباط با جنبه ی پاکِ او موارد زیر قابل توجه است: پاک‌کننده ی نطفه ی همه ی مردان و مشیمه ی همه زنان برای زایش، بهترین هستی پاکان، پاک ستوده شده، پالاینده ی آب‌ها. مزدپور (۱۳۹۴: ۱۲۵) می‌گوید: " اناهیتا نماد آبهای گیتی و مینو است و آب، همانند با زمین، از دیرباز در نزد ایرانیان مقدس و مراقبت، و به اصطلاح «پرهیز» آن را واجب می‌شمرده‌اند." در خصوص مراقبت از آب، رحیم عفیفی (۱۳۷۴: ۴۰۱) می‌گوید: " ایرانیان باستان عناصر مفید و سودمند را که به نحوی در زندگی مؤثر بوده، مقدس داشته، و ایزدی را نگهبان آن می‌دانستند. آب یکی از عناصر سودمندی است که بسیار مورد ستایش و نیایش قرار گرفته و در سراسر کتاب اوستا با تقدیس از آن سخن رفته است." وی می‌افزاید: " ایزدان نگهبان آب، به نام‌های آبان، اردویسور آب یا اردویسور اناهیتا (=ناهِید) آمده و آیم نپات یا بُزایزد و یا آبان ناف که مأمور پخش آب‌هاست از یاران او می‌باشند. امشاسپند خرداد، سرور آب‌هاست که به گفته بُندهش، هستی، زایش و پرورش جهان مادی از آب است" (همان: ۴۰۲). صفت «ناهِید» که خود نمایانگر پاکی در مقابل ناپاکی است، پرستندگان را موظف به پرهیز آب از آلودگی و احترام به آن می‌کند. بعلاوه، آن‌ها وظیفه ی مراقبت و پاکیزه نگه‌داشتن آتشگاه‌ها و پیکره‌های ساخته شده برای ناهید را نیز بر عهده داشته‌اند. به واسطه ی همین صفت است معابد او را جای پرهیزگاری دانسته‌اند (پورداد، ۱۳۵۶، ج ۱، ۱۶۹). در ایران باستان، گاهی زنان خاندان‌های بزرگ را جهت پارسایی‌زیستن برای پرستاری به معابد ناهید می‌فرستادند؛ چنان که «خاتون» زن خاقان ترک به معبد اناهیتا فرستاده شد؛ و نیز معشوقه ی کورش دوم هخامنشی برای آن که زندگی را به پارسایی به سر ببرد، به پرستشگاه اناهیتا در کنگاور فرستاده شد. فره‌وشی در این خصوص می‌گوید: برای زاهد و پاک بودن زنان، آنان را به معابد ناهید می‌فرستادند. در پرستشگاه‌های ایران، زنان پرستار در کمال پرهیزگاری و پارسایی بسر می‌بردند (فره‌وشی، ۱۳۷۰: ۱۷۶).

۲-الف-۴- زیبایی و آراستگی: صفات زیر در بیان زیبایی، برازندگی و آراستگی ناهید در جاهای مختلف متن آبان یشت ذکر شده‌اند: زیبا، شکوهمند، فره‌مند، خوش‌اندام، کمربند بر میان بسته، دارای موزه‌هایی (= کفش‌هایی) که تا فوزک پایش را پوشانیده است با بندهای زرین، همه-آراسته، درخشان، و با بالاپوشی (= ردایی) پوشیده، فراآراسته، پُرچین، و زرین، سپید بازو، آراسته به زیورهای زیبا از جمله گوشواره‌های چهارگوش زرین و گردنبند؛ پَنام زرین؛ گردن زیبا و مقدس؛

تاج زرین هشت پر بر سر، آراسته به گوهرهایی همچون ستارگان درخشان، روشنایی دارای همه گونه آسانی، آراسته به ساسکی با یکصد ستاره ی زرین هشت پاره، گردونه شکل، آراسته با نوارها، زیبا، دارای چنبری برجسته، نیکوساخته، پوشیده در جامه‌هایی بَبرین (= ساخته شده از پوست بَبر). برای اطلاع بیشتر از جامه‌های بَبرین، نک. (مولایی، ۱۳۹۲: ۱۴۳). محمد مقدم «بَبر» را «بیدستر» معادل-سازی کرده است (مقدم، ۱۳۸۸: ۵۳). متن آبان یشت گاه در توصیف آراستگی‌های ناهید به جزئیات نیز می‌پردازد. مثلاً در بند ۶۴، ضمن توصیف پاهای این ایزدبانو، کفش‌ها و سپس بند کفش‌ها هم توصیف شده‌اند. در این سرود، توصیف ناهید چنان دقیق و شاعرانه است که گویی سراینده ی این یشت، این ایزدبانو را از روی پیکره‌هایی که از آن در مکان‌های مختلف دیده است، توصیف می‌کند. در این خصوص فره‌وشی می‌گوید: "می‌دانیم که پیکره‌های بزرگ و کوچک از این ایزدبانو در نیایشگاه‌های آن‌اهیت برپا بوده است، دور نیست که بخشی از این سرود اوستایی (آبان یشت) واقعاً در توصیف پیکره‌هایی باشد که سراینده در پرستشگاه‌های ایران زمین دیده است (فره‌وشی، ۱۳۷۰: ۱۶۵). وی می‌افزاید: تعداد زیادی از تندیس‌های ناهید با شکل‌های گوناگون و با لباس و آرایش محلی و با چهره زن مطلوب و آرزو شده مردم هر دیار در سرتاسر ایران زمین کهن به جای مانده است (همان: ۱۸۴). رجبی (۱۳۸۶: ۱۵۳) می‌گوید: "پرداخت پیکر خوش اندام و بر و بالای خواستنی آن‌اهیتا در آبان یشت، آبخوری جز برداشت شاعرانه ی روح و روان لطیف ایرانیان نمی‌تواند داشته باشد. آن‌اهیتا در آن سوی مرز زیبایی، برابند برداشت و آرزوی ایرانی از آفرینش انسان به خوش-هنجارت‌ترین پیکر ممکن است: آفرینش اندام مطلوب به نشانه کمال مطلوب.

۲-الف-۵- نژادگی و آزادگی: اهورامزدا تأکید دارد که خود ناهید را آفریده و دلیل آفرینش را هم بازگو می‌کند. اهورا مزدا در خصوص نحوه ی آفرینش ناهید در بند ۶ آبان یشت می‌گوید که او را با حرکت زبان (= با سخن) به وجود آورده است. این نشان می‌دهد که وجود ناهید از وجود اهورا مزدا سرچشمه گرفته، و به عبارتی روح اهورامزدا در ناهید دمیده شده است. ناهید مانند سپندارمذ دختر اهورامزدا و مادر همه ی دانش‌ها خوانده شده است. از آنجا که اهورامزدا تمامیت هستی نیک را حکایت می‌کند، وابستگان او مانند ناهید هم در این امتیاز سهم دارند. اهورامزدا تأکید دارد که ناهید ستایش‌شدنی و نژاده است و اصلی پاک دارد. شاید نژادگی او بی‌ارتباط با پاک‌ی ذاتی آب نباشد. از آن جا که نهاد اهورامزدا و وابستگانش بر پایه «آشه: راستی» استوار است، همه ی ستایش-های او و وابستگانش هم باید طبق راستی باشد (بخشی از بند ۹).

یکی از صفات برجسته ی ناهید «اهوراکیش» است (بند ۱). به واسطه ی این صفت، در جهان بینی مطلقاً ثنوی اندیش زردشتی، بخشی از خویشکاری او رواج اعمال اهورایی در مقابل اعمال اهریمنی است که این خود حکایت از نژادگی او و ارتباطش با جهان اهورایی دارد.

به عقیده ی بهرام فره‌وشی در داستان‌های عامیانه‌ای که در جای جای سرزمین ایران رواج دارد که در آن‌ها پریان نیکوکار در کنار چشمه‌سارها اقدام به کارهای نیک می‌کنند، هنوز نشانه‌هایی از حضور ناهید مشاهده می‌شود (فره‌وشی، ۱۳۷۰: ۱۹۲).

۲-الف-۶- بخشندگی و باروری: پیشتر گفته شد که وظیفه هدایت و نگهداری تمام آب‌های جهان به ناهید سپرده شده است. آب به عنوان یکی از حیاتی‌ترین عناصر در زندگی بشری، گسترش جهان و منشأ زندگی به تعبیر قرآن کریم (در بخشی از آیه ی ۳۰ سوره الانبیاء، ... و هر موجود زنده- ای را از آب آفریدیم ...)، می‌تواند نماد پدیده‌های فراوانی در هستی باشد.

مطابق دیدگاه کوپر، آب می‌تواند نماد سنتی موارد زیر باشد: منشأ همه مخلوقات، منشأ هستی و گور مخلوقات در عالم، نماد مادر کبیر، تولد، اصل مؤنث، زهدان عالم، هیولی اول (prima materia)، تجزیه‌نشده، غیرمتعین، شکل نخست ماده، تداعی‌کننده ی باروری و نیروبخشی و چشمه ی حیات، همتای مایع نور، تغییر دائمی جهان عینی، ناهوشیاری، فراموشکاری، حلال، برازنده، پاک‌کننده، نوسازنده، تداعی‌کننده ی رطوبت، حرکت دورانی خون و شیر ی حیات، متضاد با خشکی، ایستایی و مرگ، احیاکننده و دمنده ی زندگی تازه، بازگشت به پاکی آغازین، مرگ زندگی کهنه، آب به صورت باران یعنی نیروی لقاح ایزد آسمان و نشان باروری؛ و آب به صورت شبنم، یعنی موهبت و رحمت الهی، توان‌دهی معنوی و نور بامدادی (کوپر، ۱۳۸۰: ۱-۲). قابل ذکر است برای تحلیل صفات بسیاری از عناصر مادی در فرهنگ‌های مختلف از نظر نشانه‌شناسی می‌توان از همین منبع استفاده کرد. مثلاً عنصر «گردونه» که ناهید گردونه‌ران است، نشانه ی چرخ صیوروت است (همان: ۳۰۸). بعلاوه، برای نشانه‌شناسی مواردی مانند «ارابه، باد، باران، بازو» که در متن آبان یش آمده‌اند، به ترتیب می‌توان به صفحات ۱۴، ۱۶، ۴۷، ۴۸ و ۴۸ در همین منبع مراجعه کرد.

ناهید در هیئت یک رود اسطوره‌ای که نماینده ی تمام آب‌های روی زمین است، با سرچشمه گرفتن از کوه «هوکر» به صورت شبانه‌روزی در تمام فصول سال «دریای فراخکرد» را تغذیه می‌کند، و دریای فراخکرد در اثر این تغذیه، به جنبش درمی‌آید و شاخه‌ها و رودهای دیگری از آن سرچشمه می‌گیرد که برای برکت‌بخشی به جهان، هفت اقلیم جهان را آبیاری می‌کنند (بندهای ۳-۵). برای اطلاع در باره ی «دریای فراخکرد»، نک. (دوستخواه، ۱۳۹۲: ۱۰۲۰).

به عقیده ی فره‌وشی، در ایران باستان و به ویژه در زمان ساسانیان، در کنار پرستشگاه‌های ناهید، اغلب کارگاه‌های سفالگری تندیس‌اناهیت را به صورت قالبی می‌ساختند و زائران آن‌ها را همچون اشیاء مقدس نذری می‌خریدند و به خانه می‌بردند تا موجب برکت و فراوانی خان و مان گردد (فره‌وشی، ۱۳۷۰: ۱۸۴). به عقیده رجبی (۱۳۸۶: ۱۶۴)، با اینکه در دوره هخامنشی، ناهید در کتیبه‌های اردشیر دوم، هم‌تراز با اهورامزدا و میترا مورد ستایش قرار می‌گیرد، اما در زمان اشکانیان، از آن جا که آناهیتا الهه ی آب و باروری است، پرستش او از اهورامزدا و میترا پیشی می‌گیرد.

۲-الف-۷- عشق و مادری: از آن جا که ناهید در میان ایزدان و به خصوص ایزدان مؤنث، شاخص‌ترین است تا آن اندازه که اهورامزدا و زردشت هم او را ستایش می‌کنند، وظیفه ی او در حمایت از زنان و دختران در متن آبان یشت بسیار برجسته است. در باره ی ارزش آناهیتا (=ناهید) در مقایسه با دیگر ایزدان ایران باستان، رجبی می‌گوید: "باور به آناهیتا در شمار یکی از کهن‌ترین و ارجمندترین باورهای ایرانیان باستان است و از هیچ ایزدی در اوستا و آئین زرتشت به اندازه ی آناهیتا با گرمی و دل‌بستگی یاد نمی‌شود" (رجبی، ۱۳۸۶: ۱۴۸).

در چند جای متن آبان یشت، در خصوص توجه آناهیتا به زنان و دختران مطالبی آمده است که در این جا به خلاصه‌ای از آن‌ها به شرح زیر اشاره می‌شود: ناهید مشیمه ی زنان را برای زایش پاک می‌کند. به همه ی زنان آسان‌زایی و شیر به اندازه و به هنگام می‌بخشد (بند ۲)؛ مشیمه ی زنان و شیر آن‌ها را پاک می‌کند (بند ۵)؛ به فریدون کمک می‌کند که شهرناز و آرنواز (خواهران جمشید) را از اسارت آژی‌دهاک نجات بخشد (بند ۳۴)؛ به دختران جفت جوی (= دم بخت) که خانه‌خدایان (= شوهران) دلیر آرزو می‌کنند، خانه‌خدایان دلیر می‌بخشد (بند ۸۷). در همین راستا، فره‌وشی (۱۳۷۰: ۱۸۷) می‌گوید: "ناهیت علاوه بر وظایفی که بر عهده داشت، موکل بر ستاره ی ناهید (زهره) نیز بود و از این نظر با ونوس (venus) همسان بود و ستاره عشق و مهر به شمار می‌آمد و دلدادگان را یاری می‌کرد".

۲-الف-۸- درمانگری و سامان بخشی: ناهید تمام نیروهای اهورایی را که در مصاف با نیروهای اهریمنی آسیب می‌بینند، درمان کرده و آنچنان سامان می‌بخشد که بار دیگر به آن آسیب دچار نگردند. در واقع، او دشمن دیوان را درمان می‌کند.

در دنیای ثنوی زردشتی، همیشه نیروهای اهریمنی مانند دیوان، جادوان، پریان، فرمانروایان ستمگر، کوی‌ها، کرب‌ها، در صدد بر هم زدن «آشه: نظم جهانی» و تخریب جهان اهورایی هستند. اهورامزدا از زردشت می‌خواهد که ناهید را به خاطر سامان‌بخشی و استحکام جهان اهورایی ستایش کند.

در بند ۱ از متن آبان یشت، صفات «درمان‌بخش، دوری‌کننده از دیو، و اهوراکیش» برای ناهید به کار رفته‌اند. در همین بند است که اهورامزدا از زردشت می‌خواهد تا ناهید را به خاطر سامان‌بخشی و استحکام جهان اهورایی ستایش کند. زیرا در سایهٔ درمان‌بخشی و اهوراکیشی و مبارزه با دیو است که غله، رَمه، خواسته، سرزمین و گیتی می‌بالند و افزوده می‌شوند.

در مجموع، در مقولات هشت‌گانه ی فوق، صفات زیر برای ناهید در متن آبان یشت به کار رفته‌اند: بسیار توانا، از تباری توانگر، ایستا، دیرزی، سترگ بازو، شکوهمند، نیرومند، راستکار، اهوراکیش، پاک، آزاده، تندرست، روشن، دارای همه‌گونه آسانی، ستودنی، بهتر ستوده شونده، پرستیدنی، فراخ‌گسترش، درمان‌بخش، دوری‌کننده از دیو، غله‌افزای، رَمه‌افزای، گیتی‌افزای، خواسته-افزای، سرزمین‌افزای، آورنده ی شیر به‌اندازه و به‌نگام برای همه ی زنان، آسان‌کننده ی زایمان همه ی زنان، پاکیزه کننده ی شیر زنان، گسترش دهنده ی خانه و دیه و قبیله و سرزمین، نگهدار و نگهدارنده ی خانه و دیه و قبیله و سرزمین، با فکر اندیشه کننده، پیشرفت دهنده، آسایش دهنده، آشکار شونده به هنگام خواندن او در مراسم، گردونه‌ران پیشتر از دیگران، بازدارنده ی آب‌ها، به پیش تازاننده ی آب-ها، فراهم کننده ی گذرگاهی خشک برای خواهنده، اهدا کننده ی اسبان تندرو، اهدا کننده ی برتری در فره و دارایی و دانش و تقدس اهورا آفریده و پیروزمندی، دهندهٔ شوهر دلیر و موجودات چالاک دویا و چهارپا، پاینده ی همه ی هستی مقدس، پادشاهی کننده بر فره ی بزرگ، خواهان آواز زوتر، یاری دهنده ی زوهرآور پارسای ستاینده، دهنده ی آیفِت به خواهنده. همچنین در وصف خانه‌های ناهیدآمده است که در کنار شاخابه‌های هریک از این دریاچه، ناهید خانه‌ای دارد نیکوساخته، دارای صد روزن درخشان، دارای هزار ستون نیکوساخته (خوش‌ترکیب)، دارای ده هزار تیر استوار (بند ۱۰۱). در هر خانه‌ای تختی نهاده شده با بستر زیبا، خوش‌بوی، دارای بالش (بند ۱۰۲).

به جز صفات مذکور که در آبان یشت آمده‌اند، ناهید در متون دیگر با صفات دیگری نیز پیداست، از جمله: نگهدارندهٔ فره ی زردشت (دادگی، ۱۳۸۵، ۱۴۲)، محافظ نطفهٔ کیومرث که توسط سپندارمذ پذیرفته شد (همان: ۱۱۴)، نیرومندی، زیبایی، خردمندی، الهه ی عشق و باروری، مادرخدای (آموزگار، ۱۳۹۰: ۱۱۳)؛ موکل بر ستاره ی ناهید (= زهره)، همسان با ونوس، ستاره ی عشق و مهر (فره وشی، ۱۳۷۰: ۱۸۷).

در حقیقت، اولین جمله‌ای که برای ستایش ناهید به کار می‌رود، ستایش به سبب شکوه و فره ی اوست. از نکات کلیدی این یشت یکی آن است که در بخش‌هایی از ۲۸ بند از ۱۳۳ بند، اهورامزدا، زردشت، همه ی مردان و زنان با هم می‌گویند که ناهید را به خاطر شکوه و فره‌اش می-

ستایند. تکرار این مضمون و مضامین مشابه دیگر در متن آبان یشت، خود نشانی بر اهمیت حضور ناهید در میان دیگر ایزدان ایران باستان است.

به جز آن که دیگران در این یشت اوصاف ناهید را برمی‌شمارند، ناهید خود در بخشی از بند ۸۹ به معرفی خود که به نحوی توصیف نیز هست، به صورت زیر می‌پردازد: براستی ای سپیتمان (لقب خانوادگی زردشت) پاک! اهورامزدا مرا پاینده ی همه ی هستی مقدس تعیین کرد. با شکوه و فره من مردمان دوپا، چارپایان خرد و ستوران بر روی زمین فرا می‌روند.

بر اساس همین صفات، بعضی اعتقاد دارند که کسانی با دیدن پیکره‌های کوچک و بزرگ ناهید که در نیایشگاه‌ها دیده‌اند، سرود آبان یشت را سروده و در اوستا جای داده‌اند. به اعتقاد آن‌ها، این سرود پیشتر در اوستا وجود نداشته است (فره وشی، ۱۳۷۰: ۱۶۵).

۲-ب- در پاسخ به پرسش دوم، شیوه ی ستایش ناهید و مکان‌هایی که در آن‌ها ستایش انجام می‌گرفت، مد نظر است. در سرآغاز متن آبان یشت، در کنار ستایش اهورامزدا برای جلب خوشنودی او، ستایش «آب‌های اردوی سور اناهید» برای جلب خوشنودی ناهید مطرح می‌گردد. پس از آفرینش ناهید توسط اهورامزدا، در بند ۸ از کرده ۱ که در بخشی از بند ۱۱ نیز تکرار شده است، ناهید خود تقاضا دارد که ستوده شود. او می‌گوید: "چه کسی مرا خواهد ستود؟ چه کسی مرا پرستش خواهد کرد با زوهرهای هوم‌دار شیردار پاکیزه‌شده ی پالوده؟ کدام وفادار هواخواه را من همراهی خواهم کرد برای پیشرفت و برای آسایش؟" (مولایی، ۱۳۹۲: ۴۹). در جایی دیگر از آبان یشت اهورامزدا از زردشت می‌خواهد که ناهید را برای او بستاید. مضمون این دستور چنین است: "گفت اهورا مزدا زردشت سپیتمان را، بستای برای من او را ای زردشت سپیتمان، آن اردوی سور اناهید فراخ‌گسترش، درمان‌بخش، دوری‌کننده از دیو، اهوراکیش را که شایسته ستایش است مَر جهان مادی را، ... (بند ۱ از کرده ۱). قابل یادآوری است این بند در آبان یشت ۲۸ بار تکرار شده و ۱۳ صفت از صفات ناهید در آن مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

اینک با استناد به متن آبان یشت، برای شیوه‌ها و مکان‌های ستایش ناهید، به تفکیک توضیحاتی ارائه می‌گردد.

۲-ب-۱- شیوه‌های ستایش: در پی دستور اهورامزدا به زردشت برای ستایش ناهید، زردشت از خود می‌پرسد که به چه شیوه او را ستایش کند (بند ۹۰). در بند ۹۱، ناهید خود شیوه ی ستایش‌اش را چنین به زردشت یادآور می‌شود: "با این ستایش مرا بستای، با این ستایش پرستش کن، از برآمدن (= طلوع) خورشید، تا فرو رفتن (= غروب) خورشید؛ آنگاه تو از این زوهر من توانی آشامید، [و]

اَثْرَوَان (= روحانیان) آگاه از کلامی مقدّس، خیره در آموزه‌های دینی، خردمند، باهنر که تجسمی از کلام مقدّس هستند (مولایی، ۱۳۹۲: ۱۱۵). در ادامه همین بحث، در بندهای ۹۲ و ۹۳، ناهید می‌گوید تمام کسانی که نشانی از اهریمن دارند، نباید از زوهرهای تقدیم شده به او بیاشامند.

در بخشی از بند ۹ از کرده ی ۱ که این بند در بخش‌هایی از ۳۰ بند دیگر نیز تکرار شده است، موضوع ستایش ناهید به صورت زیر پیداست " ... چنین امید است بهتر ستوده شوی، ای اردوی سور اناهید، با هومی که با شیر آمیخته است، با برسم، با مهارت زبان و با اندیشه و با گفتار و با کردار و با زوهرها و با سخنان درست گفته شده، در ستایش آن باشندگان نَر (= مردان) و آن باشندگان ماده (= زنان). پس اهورامزدا می‌داند بر طبق راستی آن چه را که بهتر است، آن مردان و آن زنان را می‌ستایم" (مولایی، ۱۳۹۲: ۵۰-۵۱). در این بند پرتکرار، سبب و نحوه ستایش ناهید ذکر شده است. در این جا ستایش ناهید به نحوی مطرح می‌گردد که گویا تمام نوع بشر (= آن باشندگان نَر و آن باشندگان ماده) او را می‌ستایند، و این ستایش فراگیر، بیانگر درجه ی بزرگی از اهمیت ناهید است. مزداپور فراگیر شدن ستایش ناهید را این چنین یادآوری کرده است: "آبان نیایش یکی از پنج نیایش روزانه برای مردم عام است و بنابراین، ستایش اردویسور اناهید یکی از نیایش‌های روزانه به شمار می‌رود. چنین است که تقدیس آب و بزرگداری آب‌ها یکی از مراسم عادی و معمولی دینی در کیش زرتشتی است" (مزداپور، ۱۳۹۴: ۱۲۷).

پرستندگان مختلف هر کدام به شیوه‌ای متمایز ناهید را می‌پرستند و از او طلب حاجت می‌کنند؛ یکی بر یال اسب‌ها، دیگری با زوهر هوم‌دار شیردار پاکیزه ی پالوده، سومین با سخن راست گفته شده و با گفتارها، و چهارمین با هوم آمیخته به شیر. نکته ی قابل توجه آن که در این فهرست، چهارمین پرستنده ی ناهید، زردشت (= پیامبر دین زردشتی) است.

یکی از روش‌های ستایش، از طریق *اهدای قربانی* است که در متن آبان یشت، ۱۵ مورد گزارش شده است. در این ۱۵ مورد، از شیوه ی قربانی ذکری به میان نیامده، اما در هر ۱۵ مورد تعداد قربانی شامل صد اسب نَر، هزار گاو، و ده هزار گوسفند است. نکته قابل توجه این که رسم قربانی حیوانات برای جلب حمایت ایزدان بُن‌مایه‌ای پیش‌زرتشتی دارد و زردشت به خصوص در ابتدای ابلاغ پیامبری خود با این رسم آشکارا به مبارزه برمی‌خیزد. در دین زردشتی ایزدی خاص به نام گئوشورون (تحت‌اللفظی به معنی «روان گاو، روان چهارپایان مفید») وظیفه محافظت از حیوانات مفید را در روی زمین بر عهده دارد. در اساطیر زردشتی آمده است: "وقتی که گاو نخستین در حمله ی اهریمنی در می‌گذرد، او به درگاه اورمزد می‌نالد و می‌گوید که به دلیل بدکاری و ستمی که در

گیتی بر چهارپایان اعمال خواهد شد، او نخواهد گذاشت که آنها به زمین فرستاده شوند، و اورمزد به او اطمینان می‌دهد که چنین نخواهد ماند و زردشت آیین خود را بر مردمان عرضه خواهد کرد و رفتار خوب و مناسب با چهارپایان را به ایشان خواهد آموخت" (آموزگار، ۱۳۹۰: ۱۲۳). شکایت گاو نخستین (= پیش‌نمونه همه حیوانات مفید) به درگاه اهورامزدا از ستم‌هایی که در روی زمین به حیوانات روا داشته می‌شود، در «گاهان» که بخشی از یسن‌هاست و از معتبرترین بخش‌های اوستا به حساب می‌آید، در بند ۱ از گاه ۲۹ به صورت زیر پیداست " به شما روان جهان دادخواهی می‌کند: برای چه مرا آفریدید؟ چه کسی مرا ساخت؟ مرا خشم، ستم، کینه‌توزی، درستی، تندخویی در بند کرده. برایم پشتیبان دیگری جز شما نیست. پس راهنمایی نیک و شایسته به من نشان دهید" (ساسانفر، ۱۳۸۶: ۹۷). باید گفت زرتشت خیلی تلاش داشت که به جای این گونه قربانی‌ها، نثارهای «غیرخونی، غیرگوشتی» به صورت هوم آمیخته با شیر، برسَم، مهارت زبان و اندیشه، گفتار و کردار، زوهرها، و سخنان درست گفته شده جانشین سازد؛ اما به هر تقدیر، قربانی حیوانات وارد متون اوستایی مانند آبان یشت شد که ذکر دلایل آن از حوصله این مقاله خارج است.

اهورامزدا با هوم آمیخته در شیر، با برسَم، با مهارت زبان و کلام مقدس، و با گفتار و کردار ناهید را ستایش می‌کند و از او درخواست می‌کند که زردشت پارسا را برای اندیشه، گفتار و کردار مطابق با دین، با او همراه سازد. درخواست اهورا مزدا از سوی ناهید اجابت می‌شود (بندهای ۱۷-۱۹). ستایش ناهید توسط اهورامزدا، تا حدی گویای یک گشتار تاریخی در روند جابجایی ایزدان زردشتی است؛ زیرا در این جا اهورامزدا (= خدای دین زردشتی) در مقام یک شخصیت حاجت‌طلب از ناهید ظاهر می‌شود، او را می‌ستاید و از او خواهش‌های را طلب می‌کند. در حالی که در جاهای دیگری از اوستا، ناهید در سلسله ایزدان، دو پله پایین‌تر از اهورامزدا قرار دارد. در این سلسله مراتب، ابتدا اهورامزدا، سپس امشاسپندان و پس از آن ایزدانی مانند ناهید جای دارند. این نکته حکایت از آن دارد که ناهید ایزدی پیش زردشتی - احتمالاً متعلق به دوره هند و ایرانی/آریایی - بوده که بعداً در زمره ایزدان رده پایین‌تر زردشتی قرار گرفته است. در این خصوص ژاله آموزگار می‌گوید: " ناهید ایزدبانویی با شخصیتی بسیار برجسته است که جای مهمی در آیین‌های ایران باستان به خود اختصاص می‌دهد و قدمت ستایش او به دوره‌های بسیار پیشین و حتی به زمان پیش از زردشت می‌رسد" (آموزگار، ۱۳۹۰: ۱۱۲).

به نظر می‌آید یکی از ویژگی‌های برجسته ی آبان یشت، تکرار بعضی از بندهای خاص، و از جمله بندهای ۱ و ۹ از کرده ۱ است که خود به نوعی گویای تأکید بروصف، ستایش و غناست. بی-

تردید کسی که اهورامزدا و زرتشت او را بستایند، از بالاترین جلوه‌های وصف، ستایش و غنا در جای خود برخوردار است. شیوه‌های دیگری در دوران گذشته و حتی تا امروز برای ستایش ناهید وجود داشته و دارد که از بعضی از آن‌ها را می‌توان به شرح زیر اشاره کرد: آبان روز (= روز دهم از ماه آبان) - روز ویژه ی این ایزدانو که *آبان جشن* نام داشت؛ جشن‌های موسوم به آبریزان، آب‌پاشان و تیرگان؛ سفره ی دختر شاه پریان که هنوز در بعضی از مناطق در روستاهای دور دست برجای است؛ جشن‌های تاجگذاری شاهان در پرستشگاه‌های ناهید؛ اهدا غنایم برای جلب حمایت ناهید؛ فرستادن زنان خدمتکار برای خدمت به ناهید و پرهیزگار شدن آن‌ها؛ ساختن و وقف تندیس ناهید؛ احداث پُل‌ها و آبراه‌ها و وقف آن‌ها برای ناهید.

۲-ب-۲- مکان‌های ستایش: مکان‌هایی که در داخل و یا اطراف آن‌ها ناهید ستایش شده عبارتند از: فضاهای رویاز، نیایش‌گاه‌ها، آتشکده‌ها، قلعه‌ها، کنار آب‌ها (دریاها، رودخانه‌ها، چشمه‌ها، برکه‌ها، ...). گزارش شده که تا زمان هخامنشیان، ایرانیان بیشتر در فضاهای باز و به خصوص بر روی ارتفاعات قربانی می‌کردند. بعد از دوره هخامنشی تا زمان ساسانیان، فضاهای محصور به ستایشگاه‌های ایزدانی مانند ناهید اختصاص می‌یافت. در زمان اشکانیان، اختصاص معابد به آن‌ها، به بالاترین تعداد خود رسید. در زمان ساسانیان، طرح کلی نیایشگاه‌ها عوض شد. در این بناها با طرح جدید، جای خاصی برای نگهداری آتش، و جاهایی برای سکونت روحانیون و خادمان آتشگاه هم در نظر می‌گرفتند. یکی از معروفترین نیایشگاه‌ها، در بیشابور در کنار کاخ سلطنتی قرار داشت. رجبی (۱۳۸۶: ۱۶۶) یادآور می‌شود که ظاهراً به سبب نذر و هدیه‌های مردم به معابد آن‌ها، این معابد از ثروت‌های قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده‌اند. یک سده و نیم پس از بر افتادن هخامنشیان، مهرداد اول اشکانی در آغاز کار خود با غارت معابد آتنا و آرتیمیس (= آن‌ها) به ثروت هنگفتی دست یافت. در دوره‌های هخامنشی، سلوکی و اشکانی، تندیس‌ها و پیکره‌های ناهید در تعداد زیادی ساخته و یا توسط مردم در خانه‌ها نگهداری و ستایش می‌شوند و یا در پرستشگاه‌ها مورد استقبال مردم قرار می‌گیرند. این تندیس‌های مختلف، در جاهای مختلف مانند بابل، شوش، همدان، کاپادوکیه، پارس، بلخ، سارد، دمشق و ... ساخته می‌شد. اما بر خلاف دوره ی هخامنشی، سلوکی و پارتی، در دوره ی ساسانی تندیس و پیکره‌های ایزدانوی ناهید حضوری در پرستشگاه‌ها ندارند؛ زیرا ساختن مجسمه ی ایزدان در این دوره از دین زردشتی بُت‌پرستی به شمار می‌آید و گناه بزرگی است. در دوره ی ساسانیان، آتش مقدس ناهید جایگزین پیکره‌های وی در پرستشگاه‌ها می‌شود. رجبی (۱۳۸۶: ۱۷۰-۱۷۱) می‌گوید "کرتیر در سنگ‌نبشته ی خود در کعبه ی زرتشت، که پس

از کشتن مانی و رفرم سیاسی - دینی بزرگ نگاشته شده است، به خود می‌بالد که شاه بهرام دوم، تولید آتشکده‌های ناهید اردشیر و آناهید بانوی استخر را به او سپرده است. جالب است که در این سنگ‌نبشته نامی از زرتشت برده نمی‌شود مانند کتیبه‌های هخامنشی که نامی از زردشت در آن‌ها نیست". فره‌وشی می‌گوید: هنوز آثار پرستشگاهی در کنگاور، ساختمانی زیرزمینی در نیشابور، ساختمان کعبه زرتشت در نقش رستم، پرستشگاه شهربانو در ری کهنه، سقاخانه‌های ایران زمین و تعداد زیادی قلعه دختر، پُل دختر، کُتل دختر، در جای جای ایران برقرار است که منسوب به ناهید هستند (فره‌وشی، ۱۳۷۰: ۱۸۹). یکی از آتشکده‌های بزرگ ناهید «شین» است که در تخت سلیمان کنونی در آذربایجان واقع شده و ویرانه‌های آن هنوز پابرجاست. بهرام فره‌وشی از وجود آتشکده‌ای در میدان «فورت» شهر بمبئی در هندوستان خبر می‌دهد. وی می‌گوید: "آن جا چاه آبی هست چهار تا پنج متر عمق دارد و در کنار آن حوضچه‌ی کوچکی است و در کناری دیگر میزی که کتاب اوستا و آلات آداب مذهبی بر روی آن چیده شده‌اند. تشنگان چه پارسی و چه هندی از آب آن چاه می‌نوشند و اگر خواستند پولی به صندوق آتشکده می‌ریزند و مؤبدان مشغول خواندن اوستا هستند. این تنها یادگار یک پرستشگاه ناهید است که تا کنون در بمبئی در بین پارسیان برجای مانده است" (فره‌وشی، ۱۳۷۰: ۱۹۱-۲). در راستای ارتباط ناهید با آب، بر اساس متن آبان یشت، بسیاری از ستایش‌ها که برای او می‌شود در کنار آب‌هاست؛ از جمله: اهورامزدا در گستره‌ی ایرانی (= ایرانویج) در کنار رود دایتی نیک (بند ۱۷)؛ پاوروه شاعر کشتی شکسته، در کنار آب رودخانه‌ی رنگه (بندهای ۶۱ و ۶۳)؛ وستوری نوذری در کنار آب رودخانه‌ی ویتهوئی نیک (بند ۷۶)؛ زردشت پاک در گستره‌ی ایرانی (= ایرانویج) در کنار رود دایتی نیک (بند ۱۰۴). بعلاوه، گرشاسب نریمان در برابر دریاچه‌ی پیشینه (بند ۳۷)؛ کیخسرو، یل کشورهای ایرانی و متحدکننده‌ی شهریاری، در برابر دریاچه‌ی چیچست ژرف دارای آب‌های موج (بند ۴۹)؛ یوشت از خاندان فریانه در جزیره‌ی میان آب‌های موج رودخانه‌ی رنگه (بند ۸۱)؛ گشتاسب بلندنگرش در برابر آب دریاچه‌ی فرزدانه (بند ۱۰۸)؛ زریر در برابر رود دائیتی (بند ۱۱۲)؛ ارجاسب نامخواه (= شهرت طلب) در ساحل دریای فراخکرد (بند ۱۱۶) با اهدای قربانی، ناهید را ستایش می‌کنند. در واقع، در جهان باستان ایران، هر ایزدی موکل یک پدیده‌ی طبیعی است و از میان امشاسپندان (مهبین فرشتگان)، خرداد؛ و از میان کهبین فرشتگان، ناهید نگهبان تمام آب‌هاست. برای اطلاع بیشتر از این موضوع، نک. (بهرامی، ۱۳۸۸، ۲۶-۲۷).

۲-ج- در پاسخ به پرسش سوم، کارکردهایی که از انجام این نیایش‌ها متصور است؛ این که همه‌ی نیایش‌کنندگان، حتی اهورامزدا، با توجه به توانایی‌های ناهید، انتظار همکاری از او دارند. محتوی

آبان یشت حکایت از آن دارد که ستاینندگان، و اهداکنندگانِ قربانی به این نتیجه رسیده‌اند که ناهید دارای توانی است که با جلب رضایت او از طریق ستایش و یا اهدای قربانی، می‌تواند از حمایت او بهره‌مند شوند. به نظر می‌آید این توان تا حد قابل توجهی نتیجه‌ی تفکر زن‌سالارانه‌ای باشد که در ادوار باستانی در بسیاری از سرزمین‌ها، و از جمله سرزمین ایران وجود داشته است. مزداپور در این خصوص می‌گوید: "افزون بر اخباری که از الهگان بلندمرتبه‌ی ایلامی در دست است و نیز بازماندن آثاری از سنت زن‌سروری در آن دولت، دو نام «اینانا» در سومر و «ایشتر» در زبان اکدی بر پایگاه بلند زن‌یزدی دلالت می‌کند. ... در این تصویر است که الهه حلقه‌ی اقتدار را به شاه می‌سپارد و اسیران را دست‌بسته به زیر پای او می‌افکند. چنین سنتی عتیق بر رشد و شکل‌گیری اردویسور اناهیتا، از همان دوران باستانی تأثیر تام داشته است" (مزداپور، ۱۳۹۴: ۱۲۶-۱۲۷). در مرحله‌ی از تاریخ اساطیری ایران نشانه‌های نظام مادرسالاری و به عبارتی زن‌سالاری به صورت پُررنگ دیده می‌شود. گویری این موضوع را ناشی از آن می‌داند که در جوامع بدوی، زن وظایف بسیار مهمی را بر عهده داشته است؛ از جمله آن که او ناقل خون قبیله، نگهبان آتش، و ... بوده است (گویری، ۱۳۷۲: ۶). مزداپور ضمن تأیید چنین جایگاهی برای زن در ایران باستان، بر این باور است که در ادوار بعد به تدریج زن از جایگاه خود افول کرده است. او می‌گوید: در تاریخ فرهنگ ایران قدیم، در روندی ثابت و روشن، از دوران پیش از تاریخ، پیوسته زن در این سرزمین ارجمندی و اعتبار خویش را از دست داده است (مزداپور، ۱۳۸۰: ۸۶-۸۷). در رویکرد ادبیات اوستایی اصلی به نام «ثنویت» حاکم است که در آن نمایی از یک جهان دو قطبی به خوبی پیداست. در این جهان دو قطبی، اهورامزدا جهان نیکی را با کمک امشاسپندان، ایزدان، زردشت و باورمندان به زردشت اداره می‌کند، و در مقابل آن‌ها، جهان بدی توسط اهریمن، سردیوان، دیوهای دیگر، و دیگر نیروهای اهریمنی اداره می‌شود. در آبان یشت به درستی پیداست کسانی که در جبهه‌ی جهان نیکی خدمت می‌کنند، از حمایت ایزدبانوی ناهید (یکی از یاوران توانمند امشاسپندان و اهورامزدا) برخوردارند و کسانی که در جبهه‌ی مقابل خدمت می‌کنند، از این امتیاز محرومند. بعلاوه، در این رویکرد، تمام کسانی که نشان ایرانی دارند، از حمایت ناهید بهره‌مند هستند و آن‌هایی که نشان آنیرانی (= غیرایرانی) دارند، از این امتیاز بی‌بهره‌اند. در آبان یشت، بر حسب اینکه خواست ستایش‌کنندگان و اهداکنندگانِ قربانی اجابت می‌شود یا نمی‌شود، دو گروه متخاصم در اموری مانند به دست آوردن یاورانی برای خود، پیروزی در شهریاری و جنگ‌ها، چیرگی و برتری بر دیگران - به ویژه بر دشمنان، سامان‌بخشی و یا تخریب جهان و جهانیان، به دست آوردن دارایی و یا تصاحب دارایی‌های دیگران، و ... طالب توجه ناهید به

سوی خود هستند. برای نمونه، هوشنگ پیشداد از جبهه جهان نیکی که ۱۰۰ اسب نر، ۱۰۰۰ گاو و ۱۰۰۰۰ گوسفند برای ناهید قربانی می‌کند، در بند ۲۲ از کرده ۶، درخواست زیر را از ناهید دارد: " این آیفِت را به من بده ای نیکو، ای تواناترین، ای اردوی سور اناهید، که من برترین شهریاری را داشته باشم بر همه کشورهای، دیوان و مردمان، جادوان و پریان، فرمانروایان ستمگر، کوی‌ها و کرب‌ها، که من بیوژنم (= بگشتم) دو سوم از دیوان بزرگ و دروندان (= دروغ پرستان) پرشهوَت را" (مولایی، ۱۳۹۲: ۶۰). در این یشت، افراد زیر نیز ناهید را با اهدای قربانی ستوده و هر کدام درخواستی از ناهید داشته‌اند: جمشید خوب‌رَمه، اژی‌دهاک (= ضحاک) سه‌پوزه، فریدون، گرشاسب نریمان، افراسیاب نابکار تورانی، کیکاوس دلیر پرتوان، کیخسرو، فرزندان دلیر ویسه، جاماسب، آشوزده پسر پُئورواداشتی، و آشوزده و ثریته پسران سایوژدری، یوشت از خاندان فریانه، گشتاسب بلندنگرش، زَریر، و ارجاسب نامخواه (= شهرت‌طلب) پادشاه خیونان. قابل یادآوری است هر کدام این افراد، عمدتاً از کسانی هستند که در تاریخ روایی ایران برای خود جایگاهی دارند. ستاینندگان فهرست زیر، ناهید را به روش‌هایی غیر از اهدای قربانی ستوده و از او حاجت خواسته‌اند: زردشت پاک، پأروَه شاعر کشتی‌شکسته، طوس تهم ارتشتار، مردان تهم، آثرونان (= روحانیان) نیایش‌خوان و آثرونان شاگرد دانش، دختران جفت‌جوی (= دم بخت)، زنان پابماه، هوویان، نوذریان. در مجموع، تمام کسانی که در این یشت ناهید را ستوده و یا پرستاری کرده‌اند، در جبهه ی اهورامزدا هستند و درخواست‌های آن‌ها پذیرفته شده است. از میان اهداکنندگان قربانی، درخواست ۱۴ تن که نشان اهورامزدا و ایرانیت دارند، پذیرفته شده و درخواست ۴ تن که نشانی از اندیشه‌های اهریمنی و غیرایرانی دارند، پذیرفته نشده است. این ۴ تن عبارتند از: اژی‌دهاک (= ضحاک) سه‌پوزه، افراسیاب نابکار تورانی، فرزندان دلیر ویسه، و ارجاسب نامخواه (= شهرت‌طلب) پادشاه خیونان.

۳- نتیجه

یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که ایرانیان باستان برای دستیابی به بعضی از کامیابی‌ها در دنیای ثنوی مد نظرشان، از طریق ستایش، پرستاری، و اهدای قربانی به ایزدان متوسل می‌شدند. یکی از معروفترین ایزدان طرف توجه آنان ایزدبانوی ناهید بود. آنان برای ناهید توانایی‌های زایدالوصفی قائل بودند که به نظر می‌آید این توانایی‌ها تا حد قابل توجهی نتیجه تفکر زن‌سالارانه‌ای باشد که در ادوار باستانی در بسیاری از سرزمین‌ها، و از جمله سرزمین ایران وجود داشته است. با آنکه در منابع مختلف دینی و غیردینی از دنیای باستان، مطالبی قابل دسترس است، اما یشت پنجم اوستا موسوم به «آبان یشت»، بیشترین آگاهی را در ستایش این ایزدبانو در اختیار خواننده قرار می‌دهد. بررسی

جوانب ستایشی آبان یشت می‌تواند پژوهشگران ایران امروز به بخشی از ادبیات غنایی ایران باستان رهنمون شود. در این یشت، ناهید با اوصافی مانند بالندگی و فزاینده‌گی، برومندی و نیرومندی، پاک‌ی، زیبایی و آراستگی، نژادگی و آزادگی، بخشندگی و باروی، عشق و مادری، درمانگری و سامان‌بخشی به روشنی به روشنی ستوده شده که به نحوی نشانگر کمال زن ایرانی در ادوار باستان است.

آثار ناهید هر چند کم، مانند نام‌گذاری دختران به نام ناهید، وجود تعداد زیادی قلعه ی دختر، پُل دختر، کُتل دختر، در جای جای ایران، یادآوری نام ناهید در آثار ادبی ایران بعد از اسلام مانند شاهنامه، و... در بسیاری از جنبه‌های اساطیر، فرهنگ، ادیان، و ادبیات ایران امروز قابل ملاحظه است. ایران باستان با اعطای صفت های نیکو به آن‌ها، نیکویی مورد نیاز را در او متبلور می‌سازد. پهلوانان و چهره های افسانه ای مانند هوشنگ و جمشید و کیکاوس و کیخسرو برای پیروزی خود از آن‌ها پشیمانی می‌خواهند. او ستمکاران مانند ضحاک و افراسیاب ... را ناکام می‌گذارد و خیرخواهان و اهورا کیشان را کام می‌بخشد. چون اساس دین زردشت بر نظم و اشته و راستی و زندگی و جاودانی است و نه بر مرگ و تباهی و متن آبان یشت بر اساس دیدگاه زردشتی، آشکارا جهانی ثنوی را به تصویر می‌کشد. از آن جا که ناهید عضوی از مجموعه ی جهان نیکی است، در این نقش، او به شخصیت‌های ایرانی و کسانی که اندیشه‌های اهورایی دارند، آیت (= بهره، سهم، پاداش) می‌دهد؛ و کسانی مانند آژی‌دهاک (= ضحاک)، افراسیاب تورانی و ارجاسب خیونان‌خدا را که غیرایرانی هستند و در ردیف اهریمن اندیشه ی تباهی نوع بشر و از جمله ایرانیان را در سر دارند، از آیت خود بی‌بهره می‌گذارد. بعلاوه، داده‌های متن نشان می‌دهد که ناهید بسیاری از ویژگی‌های ایزدان ایرانی مانند آپم‌نپات، دین، آشی، و چیستا؛ و غیرایرانی مانند سَرسوتی هندی، ایشر بابلی، آرتمیس یونانی، را از آن خود کرده، و با ایجاد نوعی هم‌آمیختگی، در قالب یک یشت در اوستا در زمره ی ایزدانوان ایرانی شناسنامه گرفته است. سرانجام این که در سرزمینی مانند ایران که عمدتاً دارای اقلیمی خشک بوده، ایرانیان با اسطوره‌سازی، توصیف، ستایش، و اهدای قربانی برای قدردانی از آب و تأکید بر اهمیت آن، به ایزدانوی ناهید غنا بخشیده، و یشتی به نام او در کتاب مقدس زردشتی شناسنامه‌دار کرده‌اند.

منابع

۱-قرآن کریم

۲-آموزگار، ژاله، و همکاران، تاریخ ایران باستان، جلد اول، (ویراست دوم)، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۰.

۳-ابوالقاسمی، محسن، شعر در ایران پیش از اسلام، تهران: بنیاد اندیشه اسلامی، ۱۳۷۴.

۴-امریک، رونالد، و ماریا ماتسوخ، تاریخ ادبیات فارسی (ادبیات ایران پیش از اسلام)، جلد هفدهم، به کوشش احسان یار شاطر، ترجمه فارسی زیر نظر ژاله آموزگار، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۳.

۵-بهرامی، عسکر، تاریخ اساطیری ایران، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۸.

۶-پورداد، ابراهیم، یشت‌ها، جلد ۱، چاپ سوم، به کوشش بهرام فره‌وشی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.

۷-تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۷۶.

۸-دادگی، فرنیخ، بندهش، چاپ سوم، گزارش مهرداد بهار، تهران: انتشارات توس، ۱۳۸۵.

۹-دوستخواه، جلیل، اوستا (کهن‌ترین سرودهای ایرانیان)، جلد دوم، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۹۲.

۱۰-رجبی، پرویز، جشن‌های ایرانی، چاپ دوم، تهران: انتشارات آرتامیس، ۱۳۸۶.

۱۱-رضایی باغبیدی، حسن، تاریخ زبان‌های ایرانی، چاپ دوم، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی)، ۱۳۸۸.

۱۲-ساسانفر، آبتین، اوستا (برگردان هفت هات از گاتاها)، تهران: انتشارات علم، ۱۳۸۶.

۱۳-شمیسا، سیروس، انواع ادبی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات میترا، ۱۳۸۹.

عفیفی، رحیم، اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های پهلوی، تهران: توس، ۱۳۷۴.

۱۴-فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، بر پایه چاپ مسکو، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۲.

۱۵-فروهوشی، بهرام، ایرانویج، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.

- ۱۶- کنت، رولاند، گ.، **فارسی باستان**، ترجمه و تحقیق سعید عربان، تهران: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۸۴.
- ۱۷- کویر، جی. سی.، **فرهنگ مصور نمادهای سنتی**، ترجمه ملیحه کرباسیان، تهران: انتشارات فرشاد، ۱۳۸۰.
- ۱۸- گویری، سوزان، **آناهیتا در اسطوره‌های ایرانی**، تهران: انتشارات جمال‌الحق، ۱۳۷۲.
- ۱۹- مزدپور، کتایون، **داغ گل سرخ و چهارده گفتار دیگر در باره اسطوره**، چاپ دوم، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۶.
- ۲۰- مزدپور، کتایون، و همکاران، **ادیان و مذاهب در ایران باستان**، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۴.
- ۲۱- مقدم، محمد، **جستاری در باره ناهید و مهر**، چاپ سوم، تهران: انتشارات هیرمند، ۱۳۸۸.
- ۲۲- معین، محمد، **مزدیسنا و ادب فارسی**، جلد دوم، چاپ سوم، به کوشش مهدخت معین، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
- ۲۳- مولایی، چنگیز، **آبان یشت (سرود اوستایی در ستایش اردوی سور ناهید)**، تهران: انتشارات مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی)، ۱۳۹۲.